

## رسالة خالویه یا ایقان

(۲)

کسی که ایقان را از اول تا آخر مطالعه کند جز صفحه ۵۸ از اواخر باب اول از چاپ اول و از صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۴ باب دوم همان چاپ که مطالب آنها با سایر مندرجات کتاب کمتر سازش دارد، کلیه مطالب دیگر ایقان را در اثبات دعاوی سیدعلی محمد باب و حسن اعتقاد و ایمان نویسنده کتاب نسبت به اظهارات سیدباب مینگرد. در چند موضع که نویسنده خواسته به وجود خود اشاره ای کند به ذکر «خادم فانی» و «عبد فانی» قناعت ورزیده که در آن شبهه هیچگونه ادعا و اظهار امری نرود. بنابراین تالیف این رساله در حقیقت بیان اعتقاد راسخ نویسنده اش به کلیه دعاوی سیدباب بوده بی آنکه برای خود کوچکترین حقی و مقامی قائل باشد و چنانکه گفته شد گویا نتیجه ای که از این اقدام منظور داشته همانا ازاله شك و شبهه از بایمان مهاجر و مسافر بغداد درباره شخصیت دینی مولف بوده است که در فشار مخالفان و معاندان سرسخت قرار گرفته بود.

از آنچه از اواخر باب دوم نقل کردیم، دو نکته به نظر میرسد که به کیفیت اعتقادات مؤلف شکل خاصی میدهد. یکی قید «مصدر امر»ی که به امر او تسلیم شد و بازگشت و دیگری آنکه جان بر کف حاضر بوده تادر راه نقطه و کلمه مستور نفا کند. برای کسی که به اصطلاحات بیانی آشنا باشد مقصود از «حرف مذکور مشهور» نویسنده کتاب است

\* آقای استاد سید محمد محیط طباطبائی از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور.

که پیوسته در بغداد با مردم در تماس و مذاکره بود و «کلمه مستور» همان شخصی است که بنا به قول عبدالبها در تاریخ سیاح، او را برای مصلحت امری از انظار دور نگاهداشته بودند و بجای معرفی به اسم، او را «مقام مستور» می‌گفتند. وجود لفظ نقطه پیش از کلمه مستور چنین افاده می‌کند که نویسنده کتاب می‌خواهد نسبت به سید باب و وصی مستور او که «مصدر امر» معرفی شده عرض فداکاری کند.

وجود این موارد در کتاب مزبور، پیش از اعلام جدائی دو برادر نوری و اظهار دعوت تازه و جداگانه در آورده به سال ۱۲۸۰، هیچ اشکالی به وجود نمی‌آورد و جریان امر از روی گزارشهای جنرال کنسول ایران در بغداد به وزارت خارجه تا هنگام انتقال حضرات از بغداد به سوی اسلامبول بر همان منوال باقی بود که میرزا یحیی ازل حتی به هنگام خروج از بغداد هم در پس پرده مستور و جناب «ایشان» در هر موردی مذکور و مشهود باشد. اما بعد از اعلام دعوت در آورده، قضیه دیگرگون شد و ضرورت پیدا کرد که ایقان به طوری عرضه شود که این الفاظ و عبارات کتاب، دیگر به کیفیت ادعای جدید در اذهان بابیان زبانی نرساند. محتمل است این کتاب پیش از آنکه وضع قابل قبول و تکثیر را به خط دست‌زین المقربین پیدا کند به مراحل متعدد تصحیح و اصلاح لازم فائز شده باشد که فقدان نسخه‌های مورخ به دوران اقامت بغداد و آورده ما را از کیفیت امر بی‌خبر می‌دارد.

چنانکه گفته شد امروز دو نسخه استاندارد از این کتاب موجود است: یکی مخطوط به خط نسخ زین المقربین و دیگری چاپی به خط نستعلیق کاتب نامعلوم که شاید از آن غصن اکبر یا خادم باشد. چه این دو تن از طرف «ایشان» با اختیارات تام برای نشر آثار او به بمبئی در ۱۳۵۸ اعزام شدند و در نتیجه این مسافرت بود که چاپ اول و ایقان چاپ اول انتشار یافت. با وجود این، کلمات «خادم فانی» و «عبدفانی» و «مصدر امر» و «کلمه مستور» در هر دو نسخه موصوف بر جاماند و مانند استخوانی درون زخم کهنه مذهبی بایه باقی ماند. اما چاپ دیگری از این کتاب که به خط نستعلیق و با اسم عددی کاتب که ۲۵۱ مقلوب اعداد حروف بها (۱۵۲) در امضای اوست، در سال ۱۳۱۰ انتشار یافته و خط آن با خط نستعلیق میرزا جبار مشکین قلم زنجانی و میرزا آقا جان خادم کاشی و میرزا محمد علی غصن اکبر تفاوت شکلی دارد. پس آنچه که فاضل مازندرانی زیر کلمه ایقان از جلد اول اسرار الآثار آورده که «اولین طبع به خط مشکین قلم در بمبئی به سال ۱۳۱۰ ه. ق. صورت گرفت» نمیتواند بر این طبع منطبق گردد. چه:

اولاً جمع حروف اسم «مشکین قلم» و «جبار» و «میرزا جبار» و «جبار زنجانی» هیچکدام با ۲۵۱ عدد اسم کاتب این چاپ مساوی نیست.

ثانیاً همه اصلاحاتی که از چاپ ۱۳۱۸ بعد در چاپهای قاهره و تهران و دهلی منظور

آمده در این چاپ وارد شده است. در صورتیکه نسخه چاپ میرزا آقا جان و میرزا محمد علی که به سال ۱۳۰۸ و در حیات بهاء در بمبئی انتشار یافت باسی و پنجمین نسخه خطاستاندارد زین المقربین کاتب وحی که در ۱۲۹۴ قلمبند شده از هر حیث تطبیق میکند و نسخه زین متنی است که صحت آن را از طرف مؤلف تصدیق کرده اند.

ثالثاً وضع عکا در سال ۱۳۱۰ که پیش از یک سال بر مرگ پیشوای بهائیان نمیگذشت از هیچ لحاظی با اصلاح و تجدید نظر یکطرفه و چاپ سریع کتاب به صورت تازه هنوز مناسب نبود. رابعاً خط این چاپ با خط مجموعه نامه های معروف به «اقتدارات» که همین سال در بمبئی به تاریخ معین و خط و امضای صریح مشکین قلم انتشار یافته یکسان نیست و تصور می رود فاضل غفران مآب در حافظه خود چاپ اول ایقان را که نویسنده اش معین نشده با چاپ اول مجموعه اقتدارات که در سال ۱۳۱۰ هجری به قلم مشکین قلم انتشار یافته بود، درهم آمیخته و از آن ایقانی به وجود آورده که در سال ۱۳۱۰ برای نخستین بار انتشار یافته باشد و بدین نیندیشیده که متن چاپ ۱۳۱۰ با متون اصلاح شده چاپ ۱۳۱۸ به بعد از حیث تغییر شکل الفاظ و عبارات بزرگ منوال است و مثلاً «خادم فانی» در این چاپ «مظلوم» و کلمه «مستور» هم به «کلمه علیا» تبدیل شده است. بنابراین متن چاپ اول ۱۳۰۸ که از حیث املا و انشا باروایت معتبر و مجاز نسخه های خط زین المقربین کاملاً مطابقت دارد نسخه ای معتبر و بانسخه ای که یکسال بعد بدون وجود متنی قابل استناد، صد ها تغییر در الفاظ و عبارات آن راه یافته قابل مقایسه نیست.

از ۱۲۷۸ ق تا ۱۳۱۸ شمسی که مطابق ۱۳۵۸ هجری قمری بوده یعنی در طول مدت هشتاد سال هرگز در جایی دیده و شنیده نشده بود که نسخه اصل ایقان به خط مولف در فلسطین و یا محل دیگری وجود دارد تا آنکه پس از هشتاد سال فاضل مازندرانی ناگهان در خانه فاطمه خانم دختر حاجی میرزا علی تریاکی خراسانی و همسر حاجی میرزا حسینعلی یزدی معروف به «سمی مقصود» یا «هنام بهاء» که از کار گزاران بنام بهائی در یزد و شیراز بود و باقتان شیرازی رابطه نسبی نداشت، نسخه ای از ایقان بدون تاریخ تحریر یافت که خط آن به خط عبدالبهاء در آغاز جوانی و هیجده سالگی او شباهت داشت و در حاشیه برخی از صفحه هایش مطالبی نوشته شده بود که به خط بهاء شبیه بود. زن صاحب خانه و مالک نسخه عقیده داشت این همان نسخه ای است که هشتاد سال پیش در بغداد به سید محمد خاں اکبر تسلیم شد و پس از فوت او سه پسر و چند دختر دیگرش از وراثت این میراث خانوادگی محروم ماندند و تنها به خدیجه سلطان دختر سید محمد که مادر میرزا علی پدر فاطمه بوده رسید و خدیجه سلطان هم به دختر داماد خود که از زن دیگری جز دختر خدیجه داشته بخشید. عجب است از این دختر و شوهرش که سالها بود سالک این طریقه مذهبی و مالک این نسخه

بودند و به وجود چنین اثر بیمانندی در صندوق خانه خود تا این تاریخ پی نبرده و به معرفی آن نپرداخته بودند.

پیش از آنکه این نسخه به دستورشوقی افندی از ایران به اسرائیل برود و در مدار الاثار بهائی حیفا در کنار تل اییب ضبط شود، فاضل آن را دیده و در اسرار الاثار خود چنین وصفش میکند: «در محلی از هاشم به طریق الحاق به خط بهاءالله شمه‌ای داشت که صورت عبارت چنین است: «و این عبد در کمال رضا جان بر کف حاضر که شاید از عنایت الهی و فضل سبحانی این حرف مذکور مشهور در سبیل نقطه و مکمن مستور فدا شود و جان در بازو و اگر این خیال نبود فوالذی نطق الروح بامر، آنی در این بلد توقف نمینمودم و کفی بالله شهید.» خط شکسته نستعلیق و جمل عربیه خط نسخ زیباست ولی مانند «شهید» مذکور در آخر، بی الف علامت نصب و فعلهای جموع در آیات قرآنیه بی الف زائد در او جمع بوده و نظائر کلمات «رؤساها» و «ملائکهها» یعنی آوردن جموع عربیه را به جمع فارسی به علامت «ها» و نیز نظائر افعال فلتنقطعن یعنی آوردن امر مخاطب معلوم را بالام امر و نظائر فعل یصلن یعنی آوردن فعل مضارع غیر طلبی بانون تاکید و امثال ذلك، بسیار دارد.» در صورتی که همین عبارت منقول فاضل را در نسخه خطی و چاپی استاندارد که اصلش از تصویب مولف گذشته «شهیدآ» با الف و به جای «مکمن» یا کمینگاه بیمورد و زاید در جلو مستور مرادف مکمون، «کلمه» با صفت «مستور» همراه است. فاضل مازندرانی بر عکس میرزا ابوالفضل و داعیان دیگر بهائی منکر وجود نقاط متعدد ضعف املائی و انشائی در نسخه‌ای که به عقیده فاضل جامع فضیلت خط و انشاء بوده، نشده است و سپس در همین اثر خود خواسته به تفسیر و تعلیل و تجویز استعمال غلطها بپردازد که از حدود بحث فعلی ما خارج است و کسانی که مایل به تحصیل اطلاعات بیشتری در این زمینه باشند باید به کتابهای چاپی آقایان محمدرضای افضل و ابوتراب هدائی از فضلا و اثر تحقیقی خطیب شهیر آقای حلبی درباره ایقان مراجعه کنند تا به کیفیت این بحث مهم آگاه شوند.

مطلبی که در این مورد باید به خاطر داشت این است که صرف شباهت خط نسخه‌ای به دستخط پسر و پدر یعنی عبدالبها و بها را نمیتوان دلیل اصالت نسخه شمرد. زیرا چنانکه میدانیم در پیرامون این پدر و پسر مردان و زنانی از خویش و آشنا بودند همچون میرزا محمد علی و میرزا آقا جان و مادرشوقی افندی و میزاحبیب وزین و صبحی که از عهده شبیه نویسی خط آنان به خوبی برمی آمدند.

از خوانندگان ارجمند این مقاله اجازه می‌خواهم بار دیگر موضوع نگرانی سران بهائی را از باب انتشار ایقان، در میان آورم و خاطر نشان سازم رقابت و کشمکش که از سال ۱۲۸۰ تا حین مرگ برادران نوری دامان هر دو تن را گرفته بود که روزگاری در

کنارهم از مواهب ریاست حزب برخوردار می‌شدند، به این گونه امور مایه می‌بخشید و وجود دو عبارت «مصدر امر» و «کلمه مستور» در برابر «حرف مذکور و مشهور» و «خادم فانی» و نظائر آن که شأن برادر بزرگ را دون مرتبه برادر کوچک میبرد در آغاز امر پرده بر صدها مورد قابل انتقاد از لحاظ املاء و انشاء و کیفیت روایت و نقل فرو می‌افکند. با وجود این در حیات مولف امکان تغییر کامل این عبارتها میسر نشد ولی پیوسته جانب احتیاط را در نشر این اثر به خارج از حوزه معتقدان برمی‌انگیخت. تا آنکه شیخ عبدالسلام آخوندزاده قفقازی رساله اول و دوم خود را در انتقاد جنبه فکری و استدلالی ایقان تدوین کرد و عبدالبها و میرزا ابوالفضل را در پی هم برانگیخت تا به پاسخ گوئی بپردازند و دریافتند که زمینه برای طرح موارد قابل انتقاد لفظی کتاب آماده است.

بدین نظر در فاصله انتشار رساله دوم شیخ الاسلام (۱۳۱۴) و انتشار فراید گلپایگانی در ۱۳۱۷ یکسال بعد از آن فرصتی به دست آنان افتاد تا کتاب را با اصلاح موارد قابل نقد و اخذ، زیر نظر میرزا ابوالفضل در قاهره با حروف سربی به سال ۱۳۱۸ هجری به صورت جدیدی در آورند و بر مردم عرضه کنند و بتدریج نسخه‌های چاپ اول آن از دسترس نسل جدید خارج گردد. چاپهای ۱۳۵۲ هـ و ۱۳۵۸ هـ و چاپ عکسی کوچک و چاپ سنگی دهلی که متوالیاً انتشار یافت همه مبتنی بر نسخه تصحیح شده چاپ ۱۳۱۸ هجری بود که بدان اشاره رفت. در این میان تکلیف نسخه چاپ مورخ به ۱۳۱۰ درست مشخص نیست که از حیث زمان انتشار، یکسال بعد از چاپ اول و از حیث تصحیح الفاظ و کلمات در ردیف نسخه‌های بعد از ۱۳۱۸ قرار دارد. خدایا زین معمی پرده بردار!

آری، وجود کلمه «مستور» و «مصدر امر» چنانکه اشاره رمت فوق العاده موجب دغدغه خاطر حضرات بهاء و عبدالبها و شوقی افندی بود اما تبدیل «کلمه مستور» به «کلمه علیا» در چاپهای ۱۳۱۸ به بعد توانست به نسیان لقب «مستور» برای ازل در دوران اقامت بغداد کمک کند و اگر برخی از مبلغان ضمن نکوهش میرزا یحیی از استعمال لقب «مستور» در حق او استفاده نمی‌کردند شاید امروز در میان بهائیان و بابیان نسل حاضر کسی باقی نبود که به وجود آن بتواند پی ببرد. عبارت «مصدر امر» که چندان به بهاء و عبدالبها گرانسنگ نمی‌آمد بر شوقی افندی تحمل ناپذیر افتاد و برای محو اثر آن در میان بهائیان فارسی نخوان و انگلیسی دان آینده، با وجودیکه علیقلی کلانتر کاشی مقیم آمریکا به دستور عبدالبها ایقان را یکبار به انگلیسی ترجمه کرده و نشر داده بود و هنوز اقدس که قانون اساسی حزب است به زبان انگلیسی ترجمه نشده بود، شوقی افندی خود ترجمه تازه‌ای از ایقان به انگلیسی تهیه کرد تا در ضمن عبارت «مصدر امر» را در صفحه ۲۵۱ ترجمه خود به عبارت انگلیسی «مستیک سورس» یا اصل عرفانی مبدل سازد و سایه سنگین سابقه وجود ازل

را از سر عبارت «مصدر امر» کوتاه کند. اما این نکته را در ترجمه‌ای که به دستور شوقی از ایقان به زبان عربی شده و در بیروت به چاپ رسیده منظور نیاورده و «مصدر امر» را بجا گذاشته اند.

فاضل مازندرانی در کتاب اسرار الآثار خودش این مطلب را از قول بهاء نقل کرده است: «کتاب ایقان مخصوص جناب خال در حضور نازل و کیفیت حبس و سفر این مظلوم در آن مذکور، آن را به غیر نسبت داده اند. بگوای غافل! از افنان سوال نماتا بر تو واضح و معلوم گردد.» این موضوع در لوح یا کتاب مضاف به اسم شیخ هم تکرار شده و معلوم نیست که کی و در کجا ایقان را به مؤلف دیگری نسبت داده بود؟ ذکر افنان در این مورد قرینه است که این اثر قلمی مربوط به سالهای آخر عمر بهاء و بعد از تاریخ نگارش مکتوب یا کتاب شیخ بوده است. زیرا تا حدود سال ۱۳۰۰ هجری هنوز ذکری از افنان در پیش نیامده بود و سید محمد خال و فرزندانش در شیراز کبابه مسلمانان میکشیدند و بعید نیست تاریخ اثر به زمانی دیرتر از این موقع هم پیوندد.

فاضل مازندرانی ضمن توجیه‌هایی که از برخی اغلاط لفظی و معنوی ایقان میکند و در مورد ذکر انبیا داود و عیسی و نوح و هود که عبارات ایقان بامبانی مقرر و اخبار موثق تطبیق نمیکند، بیانی جذاب دارد که از خودش بشنوید: «سخن درباره انبیاء مذکور حکمة تطبیق سطوح معتقدات ظاهریه عوام و حسب عقیده مخاطب یعنی حاج سید محمد خال آوردند تا استیحا و تعجب نکنند چنانکه بسیاری از مواضع و بیانات مذکوره در این کتاب چنین است.» و بدین ترتیب کار دنیا و دین را بر یک مبنی قیاس کرده و درهم آمیخته است.

تاریخ تالیف ایقان چنانکه از عبارت «اکنون دوسنه است» برمی آید دو سال بعد از اظهار امر به سال ۱۲۷۵ یعنی در ۱۲۷۷ بوده است و در جای دیگر رساله باقید عبارت «اکنون هجده سنه میگردد» تاریخ تالیف را به سال ۱۲۷۸ می‌رساند که مورد قبول بهائیان است اما در آنجا که ذکر «سنه ۱۲۸۰ میگردد» اشکالی به وجود می‌آورد که اگر از بعثت به حساب آید به سال ۱۲۷۰ یعنی دوران قبل از مهاجرت بهاء به کردستان برمیگردد و اگر از مبدأ هجرت برخلاف ظاهر عبارت گرفته شود به دو سال بعد از ۱۲۷۸ هنگام ورود بابیان به اسلامبول یا آدرنه میرسد. به هر صورت تاریخ تدوین ایقان هم خالی از ابهام و اشکال نیست و با وجودیکه آقای ابوتراب هدائی در نسخه‌ای از ایقان خطی که با چاپ اول مقابله میکرده عبارت «هزار و دویست و هفتاد و هشت» را به جای «هزار و دویست و هشتاد» دیده است، مطابقت کلیه نسخه‌ها با روایت هشتاد، بدین صورت منفرد ارزشی جز احتمال تصرف قلم اصلاح کاتب نسخه نمیدهد.

راجع به این کتاب میتوان سخن بسیار گفت و مانند خطیب دانشمند حلبی چند صد



صفحه بزرگ درباره آن چیز نوشت ولی چنین کاری از فراخور بحث کتابشناسی و حضور ذهن ما بیرون است. اینک درخاتمه نظر خوانندگان را درباره اغلاط و اختلافات لفظی و معنوی نسخه‌های چاپی و خطی ایقان به این چند نکته جلب میکند :

۱ - شیخ عبدالسلام آخوندزاده در رساله مدافعه و مطالعه خود نه‌مبنای اساسی استدلال ایقان را هدف انتقاد منطقی و کلامی قرارداد، ولی به نقاط قابل ایراد لفظی و معنوی از عبارات ایقان نظری نیفکنده است و به میرزا ابوالفضل و خطیب حلبی مجال آن را داده که یکی از تغافل شیخ بر خود ببالد و دیگری بانقل صد و پنجاه و اندی غلط ادبی گوش مدعی را ببالد.

۲ - آقای محمدرضای افضل که ایقان چاپ اصلاح شده ۱۳۱۸ قاهره را مورد مطالعه قرارداد هشتاد و چهار خطای آن را در کتاب مطبوع «فلمات و خطثات» بر شمرده است.

۳ - آقای ابوتراب هدائی در چاپ سوم از «کتاب این دین نیست» چهار صد و پنجاه مورد تفاوت یا تصحیح میان یک نسخه خطی از کتاب ایقان که در دست داشته با نسخه چاپ اول سربلی قاهره یافته و در برابر هم در جدولی نهاده است. علاوه بر آن در ضمن نقل ده آیه از قرآن کریم تصرفاتی یافته و نوشته است .

۴ - عده‌ای از جوانان فاضل پژوهشگر در تهران از مقابله دقیق چاپ اول ایقان با پنج چاپ دیگر جدولی فراهم آورده اند که ۴۸۴ مورد اختلاف صورت را در آن جدول قید کرده اند.

۵ - خطیب فاضل آقای حاجی شیخ محمود حلبی علاوه بر نقل جدول اختلافات مزبور، صد و پنجاه و چهار غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب «پژوهش جامع درباره ایقان» تالیف خود به تفصیل یاد کرده است . شاید دیگری در ضمن مراجعه تازه‌ای به موارد دیگری هم بر بخورد ، چنانکه یکی از دوستان فاضل نویسنده در ضمن مراجعه به آخرین صفحه از چاپ اول وقتی نظرش بر عبارت عربی «المنزول من الباء والهاء» افتاد که در همه نسخ خطی و چاپی بهمین صورت وارد است ، بر ذکر کلمه «منزول» به جای «نازل» اعتراضی داشت که در جدول اغلاط ادبی خطیب حلبی هم ذکر شده بود . ولی حذف حرف «الف» از آخر عبارت «الباء والهاء» را قابل توجیه و تعلیل نمیدانست و میگفت در پایان غالب نسخه‌های خطی و چاپی ایقان و در کنار آن دو حرف ب و ه صورت رقمی امضای میرزا حسینعلی با اعداد ۱۵۲ به چشم میرسد و وجود عدد «۱» در آخر امضا به یاد آورنده حذف بی‌جهت «الف» دنباله‌ب و ه متن کتاب است .

اینک دست به دعا برداشته و از خداوند تبارک و تعالی می‌طلبیم :

ربنا لاتزع قلوبنا بعداد. هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب. ۲۵ محرم

سنه ۱۳۹۸ هجری.

## تکلمه:

۱ - آقای منصور پهلوان که بر اخبار و آثار فرقه بابی و بهائی وقوف دارد ضمن یادداشتی که از نوشته سلیمانی اردکانی در ترجمه احوال میرزا ابوالفضل گلپایگانی استخراج کرده و فرستاده است خاطر نشان میسازد که میرزای گلپایگانی در سال ۱۳۰۵ هجری که به تبریز سفر کرده بود در آنجا نوزده جلد از کتاب ایقان چاپی را که در همان سال به خط میرزا محمدعلی غصن اکبر به چاپ رسیده بود برای احباب همدان به ارمان فرستاد در این صورت به فرض صدق خبر معرف سرشناسان طایفه تاریخ نشر ایقان سه سال پیش از ۱۳۰۸ و مسافرت میرزا محمدعلی و میرزا آقاخان به بمبئی در ۱۳۰۵ بوده و حدس مادر اینکه چاپ اول کتاب به خط غصن اکبر بوده تأیید میکند. با وجود این تردید درباره انتساب نسخه چاپ ۱۳۱۰ را به خط مشکین قلم چنانکه مبلغ مازندرانی پنداشته از میان نمیبرد ولی روایت او را در اینکه چاپ ۱۳۱۰ نخستین چاپ از ایقان است رد میکند.

۲ - از آنچه در این مقاله راجع به ایقان و از مقاله قبلی درباره اقدس استنباط گردید میرزا محمدعلی غصن اکبر در اصلاح و تصحیح و انتشار این دو کتاب سهم دوم را پس از پدرش داشته و بهائیان فعلاً از پرتو همت غصن اکبر به صورت های چاپی از این دو اثر دسترس پیدا کرده اند. با وجود این، لعن و سب و نفرین دسته پیرو شوقی افندی بر او در زیر عنوان (ناقض اکبر) بهترین یاداشتی بوده که از طرف پیروان پدرش در ترویج و تصحیح این آثار بدو عاید شده است.

نفرت بهائیان از این خوشنویس منصوص کتاب عهدی و مصحیح ایقان و اقدس تا آنجا میرسد که مهربانی در دفتر سرگذشت گلپایگانی حادثه ارسال ایقانها را از تبریز به همدان از روی نوشته سلیمانی نقل کرده ولی خود را راضی نکرده که اسمی از میرزا محمد علی ببرد، زیرا او را مستحق عذاب و لعنت میدانسته است.

۳ - امضای معمولی میرزا حسینعلی در پایان نوشته هایش شماره های حروف بها یا ۲ و ۵ و ۱۰ در آخر نسخه های خطی ایقان هم نقل شده که حاصل جمع این سه عدد هشت میشود نه عدد ۹ که رقم عددی حرف ط میباشد.

رقم نه (۹) و حرف ط را که مخفف (طل) باشد نسخه برداران و محاسبان در موقع نسخه برداری کتاب برای ارائه زوائد مکتوب در نسخه یا جرح و تعدیل فرد، ورقهای محاسبات سیاقی به کار میبردند و وجود آن در کنار پاروی چیزی اشاره بر عدم صحت آن میکرده و تعبیر «رقم نه روی فلان چیز کشیده شد» در زبان فارسی ماخوذ از همین اصطلاح دیوانی و سیاقی بوده است.

تصور اینکه وجود حرف همزه یا (ه) در کلمه بهاء عربی بتواند برای آن ارزش ۱ را نظیر الف تامین کند و ۸ جمع را به ۹ برساند، خالی از اشکال علمی نیست. زیرا



وضع تصویر حرف همزه به اعتبار حرکت آن تغییر میکند و پایه متناسب با حرکت را اختیار میکند و ارزش عددی همزه به حرف پایه آن بستگی دارد .

مثلاً در کلمه سؤال عدد (۶) و در سائل عدد (۱۰) و در مسألت عدد (۱) میباشد و آنگاه در نظائر کلمه های سوء و ابتداء و سناء و بهاء ، چون همزه در خط پایه ای ندارد و برای همزه ضمن حروف ابجد، ارزش عددی ثابتی معهود نیست بهمین نظر خود میرزا حسینعلی در تصویر اعداد حروف بهابه همان سه عدد (۱۰۵ و ۲) اکتفا کرده و از همزه بهاء حسابی برنگرفته است و جمع آنها حقاً همان عدد (۸) میشود و تعیین عدد نه (۹) صحیح نیست بلکه رمز همان ط مخفف طل و باطل فن سیاق است .

۴ - در قسمت اول از این مقاله که در شماره بهمن و اسفند سال پیش انتشار یافت ، در صفحه ششم مقاله و ۸۲۷ مجله دست بی پروای صفحه بند شیرین کار خطائی صورت داده و شش سطر اول صفحه ، را برداشته و به آخر همان صفحه برده و نهاده آنگاه صفحه را با سطر هفتم آغاز کرده است. در نتیجه ، ارتباط حادثه که خواننده باید از روی روایت مکتوب بها بنکرد و بشنود ، برهم خورده است . خوانندگان مجله باید متوجه این خطا کاری و اصلاح آن قبل از مطالعه باشند .

### مدارا و سازگاری

- اگر دشمن نسازد با تو ای دوست !  
تومی باید که با دشمن سازی .
- وگرنه چند روزی صبر میکن ،  
نه اوماند ، نه تو ، نه فخر رازی .

امام فخر رازی